

مطالعه علمی زبان، دستاورد گرانقدر دانش نوپای «زبان‌شناسی» است. منظور از مطالعه علمی، استفاده از روش‌های تجربی و عینی و سودبردن از طبقه‌بندی است.

زبان یک پدیده مشخص و عینی است که اجزاء و بخش‌های متنوعی دارد که با هم ارتباطی انداموار (ارگانیک) داشته، در مجموع یک موجود زایا و پویا به نام زبان می‌سازند.

زبان را از دو دیدگاه می‌توان مورد مطالعه قرار داد:

۱- از دید تاریخی (در زمانی)

۲- مقطعی (همزمانی)

نگرش نخست، دستور تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی را نتیجه می‌دهد و نگرش دوم منجر به ظهور زبان‌شناسی توصیفی می‌شود.

زبان‌شناسی توصیفی به مشاهده و توصیف زبانی می‌پردازد که مردم یک سرزمین عملاً به آن سخن می‌گویند. ملاک درستی یک واژه یا اصطلاح یا شکل تلفظ آنها، تابع کاربرد اکثری آن نزد اغلب مردم است. یعنی اگر اکثریت مردم جامعه فارسی زبان ایران، واژه «عطر» را با فتحه (ع) تلفظ کنند، همین درست و علمی خواهد بود نه شکل عربی آن که با کسره (ع) است. در این صورت، تشویق و تجویز مردم به این که باید شکل درست عربی آن را تلفظ کنند، بیهوده و برخلاف اصول زبان‌شناسی است.

خوشبختانه در سال‌های اخیر، مرز بین زبان‌شناسی و دستور سنتی دارد محوتر و کمرنگ‌تر می‌شود و دستورنویسان و مطالعه‌کنندگان سنت‌گرا بیشتر به لزوم تحقیقات زبان‌شناسی پی برده‌اند و در پذیرش نتایج علمی آنها کمتر تعصب و لجاج و خودداری نشان می‌دهند.

در نظام جدید آموزش متوسطه آموزش و پرورش ایران، توجه به مطالعه علمی زبان، باعث تألیف کتاب‌هایی در زمینه ادبیات فارسی و زبان فارسی شده

است که با اصلاح برخی کاستی‌ها می‌تواند در شناخت درست زبان به دانش‌آموزان کمک مؤثر نماید.

در این کتاب‌ها که بر مبنای تفکیک بین زبان و ادبیات تألیف شده‌اند، زبان‌آموزی در چهار بخش تنظیم شده است: ۱- زبان‌شناسی ۲- نگارش ۳- دستور ۴- املاء.

این بخش‌ها با هم ارتباط درونی و عمیق دارند و هر یک، جنبه‌ای از زبان را توصیف می‌کنند. البته هر توصیف علمی، مبنای عمل و استفاده و کاربرد است. در نهایت، ضمن توجه به تغییرات طبیعی زبان در زمان، الگوهای نسبتاً درست جمله‌نویسی و تلفظ و نگارش و املاء، پیشنهاد و ارائه می‌شود.

این گونه تألیف و تدوین بخش‌های مختلف زبان، نتیجه هزاران ساعت کار و تحقیق گروهی (استادان و دبیران) بوده است که اکنون به صورت آزمایشی در نظام آموزشی جدید ایران اجرا می‌شود.

اکنون نکته جالب این است که سالها پیش و قبل از طرح این نوع‌نگرش به زبان، کتابی نوشته شده است که به طور فطری و شهودی، مباحث و مقولات یاد شده را به اجمال و اختصار بیان کرده است:

دستورهای املاء و انشاء از استاد علی‌اصغر فقیهی که اکنون به چاپ ششم رسیده است (بهار ۱۳۷۷، انتشارات باورداران)

این کتاب دو قسمت مجزا دارد:

۱- املاء ۲- انشاء.

در بخش املاء ضمن تعریف دقیق این واژه و سابقه کار برد آن در ادب فارسی، به فایده و موضوع آن می‌پردازد. در این قسمت (صص ۵۸-۲۶). شکل نگارش و رسم‌الخط حروف الفبا توضیح داده می‌شود. در کتاب‌های زبان فارسی ۳ و ۲ و ۱ نظام جدید آموزش متوسطه، در بخش املاء، همین موارد با اندک تفاوت و تغییر آمده است.

در زبان فارسی گاه چند واج هست که یک نشانه دارند. مانند: «ی» در واژه «یار» و «پای» و «ی» در واژه «عید» یا «دید» یا «سی».

گاه برعکس، یک واج چند نشانه دارد. مانند: «ز» که به صورت «ذ»، «ظ» و «ض» هم نوشته می‌شود.

در زبان فارسی بین تلفظ آنها (واج) هیچ تفاوتی نیست. حتی به نوشته استاد فقیهی «خود عرب‌زبانان

نیز با این که هر یک از حروف مزبور را با تلفظ مخصوص ادا می‌کنند، احیاناً دچار اشتباه و زحمت می‌شوند.» (ص ۹۳ همان)

مطالبی را که استاد فقیهی مطرح کرده‌اند، در اغلب کتب زبان‌شناسی می‌توان دید و در کتاب زبان فارسی ۳ و ۴ (صص ۹۵-۹۳) تحت عنوان نظام‌آوایی زبان آمده است. البته حق تقدم استاد به جای خود محفوظ است و مقصود از نقل این موارد هم، اشاره به جامعیت کتاب استاد است و لاغیر؛ که سالها پیش از طرح این گونه مباحث، به آنها متفطن شده و تبیین فرموده‌اند.

در قسمت دیگر، فهرستی از واژه‌هایی که واج‌های مشترک دارند، آمده است که به خاطر سپردن آنها در نوشتن درست کلمات، تأثیر تام دارد.

بخش دوم: انشاء.

در این بخش، عمده تأکید استاد بر ساده‌نویسی و ایجاز است که انصافاً دو کلید زرین نثرنویسی به شمار می‌روند.

زبان‌شناسان نیز در تفکیک زبان و ادبیات بر همین عقیده‌اند که آنجا که پای زبان در میان است و غرض و مقصود ایجاد ارتباط علمی بین دو طرف مطرح است، زبان و نثر باید بی‌پیرایه، ساده، بی‌ابهام و کاملاً رسا و روان باشد. به نوشته استاد فقیهی نیز: «گاه اتفاق می‌افتد که کسی درست سخن می‌گوید اما درست نمی‌نویسد. علت این امر این است که تصور می‌کند نوشتن از سخن گفتن جداست. باید گفت که: نوشته همان گفته است. مواردی که نمی‌توانند بگویند، می‌نویسند. منتها در نوشتن باید دقت کرد برای مثال: «تشخیص مواردی که س و ش باید با دندان نوشته شود، یا ممکن است آن را کشید و همچنین حروف دیگری که گاهی برای زیبایی خط، کشیده می‌شود. در این مورد، باید دانست که هر گاه س و ش به سبب کشیده‌شدن، ممکن است به زیاد شدن یک دندانه در کلمه اشتباه شود، باید آن دورا با دندان نوشته. بنابراین، هر وقت این دو حرف قبل از حروف: ج، چ، ح، خ، ر، ز، س، ش، م، ه، ی - مقصود (ی) آخر است - قرار داشت، آن را با دندان می‌نویسند. مانند: شجاع، سحاب، سخاوت، سست، سرد، سزاوار، سما، شهر و سی.» (ص ۳۳)

مقایسه شود با: زبان فارسی ۳ و ۴ نظام جدید

احمد عزتی پرور

# نگاهی

# به دستورهای املاء و انشاء

آموزش متوسطه با کد ۲۲۰/۲ گروه مؤلفان دفتر تحقیقات وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۳۸

درباره اتصال و انفصال کلمات مرکب، روش این کتاب (کتاب استاد فقیهی) درست و علمی و مبتنی بر استعداد ذاتی کلمات فارسی است. در هر مورد، هدف، آسانی تلفظ و نگارش است. اگر این هدف، با اتصال (در موارد لزوم) حاصل شود، مجاز است و اگر با انفصال به دست آید، همان درست است.

در مورد املاهای اسامی خاص اروپایی، پیشنهاد بسیار درستی دارند مبنی بر این که باید آنها را با حروف فارسی نوشت نه عربی. مثلاً: ادیسون درست است نه ادیسون. می توان این قاعده را تعمیم داد و گفت: درست است نه ارسطو، افلاتون صحیح است نه افلاطون. و از دانشمندان جدید: نوآم چامسکی (زبان شناس آمریکایی) درست است نه نعام چامسکی. از ص ۹۰ تا ۹۴ بحث جالبی درباره شیوه تلفظ حروف عربی مانند: ض-ظ-ذ-ح-ع-ق و... آمده است.

امروزه در کتابهای زبان شناسی قسمت مهمی به واج شناسی تعلق دارد که در آن واجها (صداها) و حروف الفبا (نشانه ها) مورد مطالعه قرار می گیرند. سخن روان تر و ساده تر باشد. زیرا هنگام سخن گفتن، گوینده از حرکات سر و گردن و چشم و اشارت دست و ابرو برای فهماندن گفته خود یاری می جوید، و در موقع لزوم با تکرار سخن رفع ابهام می کند. اما در نوشته این گونه امور میسر نیست. پس باید چنان تهیه شود که هیچگونه ابهام و تاریکی در آن وجود نداشته باشد. (ص ۱۲۷ همان)

در قسمتی مجزا به غلطهای مشهور اشاره شده و شکل درست نگارش واژه های مشهور پیشنهاد می شود. در واقع، کتاب غلط نویسم استاد ابوالحسن نجفی - که خود از زبان شناسان برجسته ایران است - شکل مفصل و مشابهی از همین قسمت است که استاد فقیهی سالها از ایشان به اختصار بدان پرداخته اند.

از ص ۱۵۷ تا ۱۷۰ مباحث دستوری لازم برای نگارش به ایجاز هر چه تمام آمده است. این قسمت هم یادآور بخش دستور کتاب زبان فارسی نظام جدید آموزش متوسطه است. از ص ۱۷۰ تا ۱۷۶، چند بحث لازم از علم معانی، مثل: حالت های مستدلیه و مستند و

بیان موارد تقدیم و تأخیر آنها نسبت به هم، حذف فعل به قرینه، جمله های انشایی و اخباری، تأثیر انشاهای خارجی در فارسی و... بیان شده است. در پایان هم شرایط یک نویسنده خوب و یک انشای بی نقص به تفصیل نسبی شرح داده شده است.

کتاب در مجموع - یا وجود گذشتن سالها از نگارش آن - هنوز مفید و ممتع است. هر چند استاد فقیهی در آغاز مقدمه چاپ دوم، عبارت خردمندانه ای از عماد اصفهانی آورده است که:

«هیچ نویسنده ای ندیدم که امروز کتابی بنویسد و فردا افسوس نخورد که چرا فلان عبارت را تغییر نداده یا فلان جمله را به کتاب نیفزوده...» (ص ۱۱ همان)

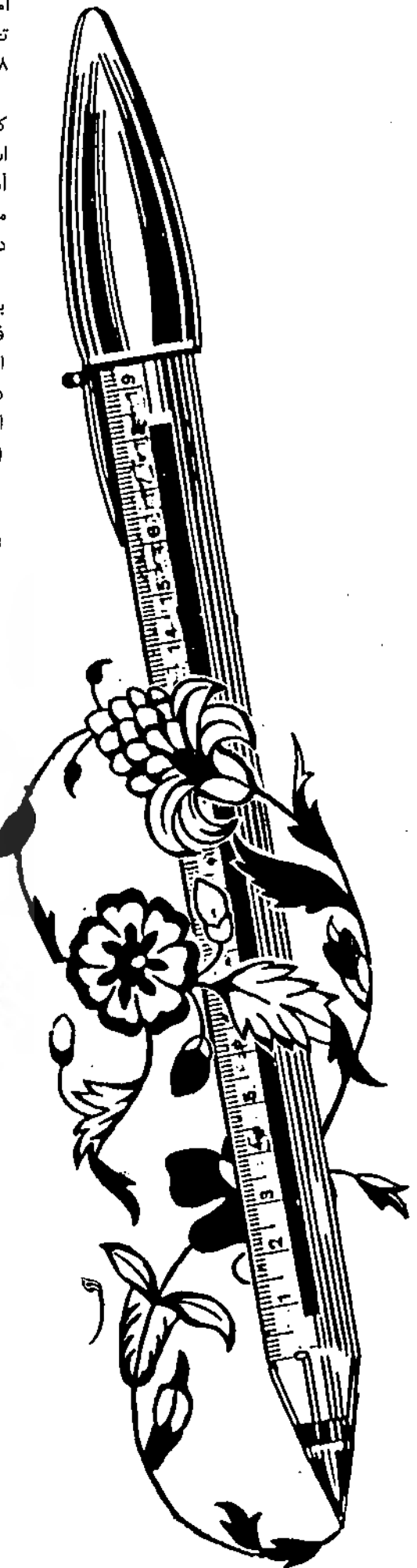
ولی از آنجا که در نگارش مباحث نگارشی علمی ملحوظ شده است، بسیاری از فصول و مطالب اعتبار خود را همچنان تا امروز حفظ کرده اند. شاید بتوان یکی دو نکته غیر لازم هم در این کتاب یافت، مثل: مطالب مربوط به تفاوت دال و ذال معجمه (ص ۸۵) که دیگر در فارسی امروز محلی از اعراب ندارند، و یا تجویز نامه ای که درباره شکل تلفظ برخی از کلمات آمده است (صص ۱۳۹ - ۱۴۷) که دور از موازین زبان شناسی است. زیرا تلفظ واژه: جنوب، همان است که بیشتر مردم به کار می برند. یعنی: «جنوب» با (ضمه ج) نه با فتحه ج. و بقیه موارد هم همین حکم را دارد.

اما کدام کتاب را می توان یافت که بر یکی دو نکته آن نتوان خرده گرفت؟ بیان فروتنانه استاد در مقدمه و نقل جمله عماد اصفهانی، خود گویای امکان همین نقص ها و کاستی هاست.

اما آنچه اعتبار یک اثر را محفوظ می دارد هنرهای آن است؛ بدایع و نوآوری های آن. در کتاب استاد با توجه به زمان نگارش آن، ابداعات و بدایع کم نیست. قلمش همچنان قویم باد. □

عنوان کتاب هر چند فقط املاء و انشاء را در بر می گیرد، اما واژه «دستور» با ایهامی که دارد، دستور زبان را به ذهن متبادر می سازد و حق نیز همین است. زیرا مباحث دستوری هم در مطاوی کتاب، بارها طرح شده است.

ترکیب «باز چاپ» نیز به جای تجدید چاپ، در روی جلد تازه به نظر می رسد و زیباست.



علی اصغر فقیهی

باز چاپ ششم ۱۳۷۷

شرکت باورداران